

نهاد پیشران؛
کلید گمشده تحول
در حکمرانی صنایع فرهنگی و خلاق ایران



عرصه اقتصاد فرهنگ و صنایع خلاق عرصه‌ای مهم و راهبردی است که آینده صنعت و فناوری را به خود معطوف خواهد نمود. این عرصه نسبتاً نوپا، مورد توجه بسیاری از نخبگان و سیاستگذاران سراسر جهان قرار گرفته؛ تا آنجا که تعداد قابل توجهی از کشورها برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای پیشتازی حداکثری در این عرصه و بهره‌مندی از آن نموده‌اند. اهمیت این عرصه اما برای ایران اسلامی می‌تواند ویژه باشد؛ از آن روی که راهبرد اساسی انقلاب اسلامی ایران سنجی فرهنگی داشته و غنای فرهنگی و تاریخی بی‌بدیل کشورمان، می‌تواند مایه مزیت ملی ما در رقابت با کشورهای دیگر در این عرصه‌ی رقابتی باشد. با تمام این اوصاف، برای تحقق یک پیشرفت محسوس در عرصه صنایع فرهنگی و خلاق، نیازمند لوازمی هستیم که به نظر می‌رسد از این لوازم فاصله زیادی داریم. تحول در صنایع فرهنگی و خلاق نیازمند عواملی همچون وجود یک پیشران قدرتمند و هماهنگی دستگاه‌های ذیربط است که زیست‌بوم صنایع خلاق ما از این دو بهره‌مند نبوده و به همین دلیل، گویا در حال جاماندن از رقبای خارجی خود در این میدان رقابت جهانی است!

❖ ضرورت تحول

به گواه اسناد و آمارهای موجود، عرصه اقتصاد فرهنگ و صنایع خلاق، کانون توجه بسیاری از سیاستگذاران در کشورهای مختلف جهان است. اگرچه این عرصه دارای پیشینه‌ای دیرپا در جهان و ایران است، و یک فضای کسب‌وکاری جدی برای شاخه‌هایی از فرهنگ و هنر همچون کتاب، سینما، گردشگری، صنایع دستی و ... هم اکنون موجود است، لیکن کارگزاران مربوطه در کشورهای مختلف، چه متأثر از انگیزه‌های سرمایه‌سالارانه و ورود بخش خصوصی قدرتمند به بازار این صنایع و چه ناشی از نگرش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، و نیز با توسعه بهره‌گیری از فناوری و نوآوری در صورت‌بندی و محتوای محصولات و خدمات فرهنگی، با جدیت بیش از پیش به دنبال نقش‌آفرینی در این صنایع هستند. برای تقویت کمی و کیفی صنایع فرهنگی و خلاق، یکی از ابزارهای لازم، تحول در سکان‌داری و حکمروایی این صنایع است؛ به گونه‌ای که سیاستگذاران مربوطه با درک صحیح از اهمیت این صنایع، تشخیص مختصات این عرصه و لوازم توسعه نوآورانه و فناورانه آن در عصر کنونی، موجبات یک پیشرفت محسوس ناشی از هم‌افزایی سیاستگذاران با کاهش حداکثری موازی‌کاری و تعارضات سیاستی و نهادی را فراهم آورد. برای چنین تحولی، وجود یک نهاد پیشران تحول لازم می‌نماید؛ نهادی که با داشتن بینش تحولی مورد نیاز و همچنین توان اثرگذاری بر سایر نهادها و بازیگران عرصه صنایع خلاق، نقش بی‌بدیل خود را در تحقق این تحول ایفا نماید. کارکرد مهم دیگری که از نهاد پیشران انتظار می‌رود، پیش‌برد ایجاد یک اجماع و اتحاد جهانی پیرامون ارزش‌های راهبردی مشترک - به خصوص ارزش‌های مشترک «فرهنگی»- است. توضیح اینکه ما در کشاکش‌های فرهنگی کنونی و مواجهه با تهدیدات فرهنگی علیه ارزش فرهنگی ملی خودمان، با اجماعات جهانی و سیاست‌های طراحی‌شده منسجمی مواجه هستیم که به دنبال بسط پادفرهنگ‌هایی نظیر جریان «LGBT» هستند. در مقام مقابله با چنین رخداد‌های سیاستی حوزه فرهنگ، نیازمند شکل‌دهی اجماعات جهانی متقابل و طراحی سیاست‌های جهانی بدیل و رقیب هستیم. این اجماعات به ویژه در قالب همکاری و تعامل در صنایع فرهنگی و خلاق نمود می‌یابد؛ از تولیدات مشترک گرفته تا ایجاد بازار و منافع متقابل در اقتصاد خلاق. با عنایت به این ضرورت جبهه‌سازی جهانی در پیش‌برد صنایع فرهنگی و خلاق، نهاد پیشران مذکور با اتخاذ یک «رویکرد برون‌گرایانه»، می‌تواند این مهم را نیز تحقق بخشد.

❖ نمونه‌های جهانی اقدامات تحولی

نمونه‌های متعددی را از کشورهای مختلف می‌توان یافت که شامل اتخاذ تدابیر و حتی نهادسازی برای تحول‌آفرینی در وضعیت ملی صنایع خلاق و نیز نقش‌آفرینی در بازار جهانی صنایع خلاق باشند. در ذیل به تعدادی از برترین کشورها اشاره می‌کنیم:

❖ کره جنوبی: این کشور به عنوان یکی از کشورهای پیش‌تاز در عرصه صنایع خلاق است که به نهادسازی برای توسعه این صنایع پرداخته است. آژانس محتوای خلاق کره¹ به

1 The Korea Creative Content Agency (KOCCA)

عنوان یکی از مهم‌ترین این نهادهاست. این آژانس که از سال ۲۰۰۹ میلادی تأسیس شده است، با تمرکز بر عموم عرصه‌های محتوایی همچون موسیقی، پویانمایی، فشن^۲ و بازی‌های ویدئویی، نقشی به‌سزا در فراگیری جهانی هالیو^۳ یا همان موج فرهنگ کره‌ای داشته است. ضمناً آژانس مذکور در راستای مأموریت خود استفاده ویژه‌ای از ظرفیت نوآفرین‌ها^۴ و فناوری‌های نوین نموده است (Seoulz: ۲۰۲۲).

چین: برخی از کشورها ذیل ساختار مرسوم وزارت‌خانه‌ای، اقدامات توسعه صنایع خلاق را پی گرفته‌اند. چین یکی از این کشورهاست که با قرار دادن صنایع فرهنگی تحت تولید وزارت فرهنگ، مجموعه اقداماتی را برای توسعه صنایع فرهنگی و خلاق خود پی گرفته است (مستمع: ۱۴۰۱: ۳۶). از جمله این اقدامات، تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری صنعت فرهنگ چین^۵ است (China Culture Industrial Investment Fund: ۲۰۲۳).

انگلیس: این کشور نیز به عنوان یکی از کشورهای پیش‌تاز در حوزه صنایع خلاق، با هدف‌گذاری تبدیل شدن به مرکز خلاقیت جهان (مستمع: ۱۴۰۱: ۳۶)، از ظرفیت «دایره فرهنگ، رسانه و ورزش^۶» خود برای تحقق این مهم استفاده نموده است. وزیر امور رسانه، گردشگری و صنایع خلاق ذیل این دایره به پیگیری اهداف ملی انگلستان در شاخه‌های مختلف صنایع فرهنگی و خلاق اقدام می‌نماید (Open Government: ۲۰۲۳).

عربستان سعودی: در میان کشورهای غرب آسیا نیز این اقدامات تحولی مشهود است. تأسیس اداره سرگرمی عمومی^۷ در عربستان سعودی یک نمونه مهم در این باره است. این اداره در سال ۲۰۱۶ و در راستای چشم‌انداز ۲۰۳۰ نظام پادشاهی عربستان سعودی تشکیل شده و تقویت فعالیت‌ها و اقتصاد مربوط به تفریحات و سرگرمی را از رسالت‌های خود عنوان نموده است (الهيئة العامة للترفيه: ۲۰۲۳).

امارات متحده عربی: این کشور نیز توجهی ویژه به صنایع فرهنگی و خلاق معطوف نموده است. مأموریت پیگیری توسعه صنایع فرهنگی و خلاق در امارات به نهادی ذیل وزارت فرهنگ و جوانان این کشور سپرده شده است. نهاد مزبور که در ساختار این وزارت‌خانه با عنوان «دستیار ویژه معاونت وزیر در امور صنایع فرهنگی و خلاق^۸» شناخته می‌شود، خود شامل سه رکن می‌باشد: دپارتمان تنظیم‌گری صنایع فرهنگی و خلاق، دپارتمان ترویج صنایع فرهنگی و خلاق ملی، و دپارتمان اقتصاد خلاق (وزارة الثقافة، الإمارات العربية المتحدة: ۲۰۲۴). مسئله صنایع فرهنگی و خلاق آنچنان جدی و مورد توجه دولت امارات است که به آن در مأموریت وزارت فرهنگ و جوانان نیز تصریح نموده

2 Fashion

3 Hallyu

4 Startups

5 China Culture Industrial Investment Fund

6 Department for Culture, Media and Sport

7 General Authority for Entertainment : الهيئة العامة للترفيه

8 Assistant Undersecretary for Cultural and Creative Industries Sector

است. ضمن آنکه در همین راستا، یک برنامه راهبردی با چشم‌انداز ده ساله (برای ۲۰۳۱ میلادی) با هدف توسعه صنایع فرهنگی و خلاق تهیه نموده است. شایان ذکر است که امارت «دوبی» برنامه و نهادی ویژه در خصوص صنایع فرهنگی و خلاق در نظر گرفته، به گونه‌ای که یک عاملیت برای توسعه فرهنگ و هنر و صنایع مربوط به آن ذیل هدایت مستقیم امیر دوبی شکل گرفته است (Dubaiculture: ۲۰۲۴).

سودای تحول

در کشور ما نیز اگرچه شاخه‌های مختلفی از صنایع خلاق از چند دهه قبل رواج داشته‌اند، اما پرداخت جدی به این موضوع را می‌توان در دهه اخیر مشاهده نمود. این پرداخت را به طور خاص در ظهور «ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم» ذیل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری می‌توان یافت. این ستاد به دنبال توسعه کسب‌وکارهاییست که از ظرفیت‌های نوآورانه و فناورانه برای تولید محصولات یا ارائه خدمات فرهنگی اقدام می‌نمایند. در این خصوص، طراحی و اجرای اقداماتی با تأکید بر خلاق بودن کسب‌وکارها در دستور کار این ستاد قرار گرفت که از آن جمله تعریف «شرکت‌های خلاق» در کنار شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد «زیست‌بوم شرکت‌های خلاق» و «خانه‌های خلاق» می‌باشد. بدین ترتیب کسب‌وکارهای صنایع خلاق در کنار ادبیات فراگیر سیاستی شرکت‌های نوآفرین (استارت‌آپی) و دانش‌بنیان، محل توجه عموم و خصوص جامعه ایرانی قرار گرفت. اما اقدامات و پیگیری‌های این ستاد نوپا به همین موارد محدود نماند. ستاد تهیه و تصویب یکی از نخستین و مهم‌ترین اسناد سیاستی را نیز در این حوزه پیگیری نموده که عبارتست از: سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم.

این سند که مصوب تیر ماه ۱۴۰۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی (دولت دوازدهم) است، به تصریح متن آن، به منظور «تبیین جهت‌گیری‌های اساسی و کلان کشور، تنظیم مناسبات دست اندرکاران و بهره‌گیری هر چه بیشتر از قابلیت‌های موجود و ایجاد ظرفیت‌های جدید در سطح ملی» در خصوص فناوری‌های فرهنگی و نرم به عنوان یک مقوله راهبردی، پیچیده و اولویت‌دار مطابق نقشه جامع علمی کشور تصویب گردیده است (سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم: ۱۴۰۰). بر این پایه، می‌توان این سند را به مثابه نقشه راه تحول در فناوری‌های نرم، صنایع فرهنگی و خلاق ایران دانست. ضمناً این سند مجموعه‌ای از اهداف کمی و کیفی در افق زمانی ۱۴۰۴ را شامل شده است. اما نکته شایان توجه اینست که مطابق تصریح سند، سیاستگذاری کلان بر عهده دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و رصد اجرای آن بر عهده ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور است، البته راهبر اجرای این سند و در واقع «پیشران تحول در صنایع فرهنگی و خلاق ایران» همین ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم است. اما آیا این ستاد در ایفای نقش پیشرانی خود می‌تواند موفق عمل نماید؟

به نظر می‌رسد ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم در پیشرانی تحول در صنایع فرهنگی و خلاق ایران دچار چالش‌هایی جدی است. یکی از این چالش‌ها، ضعف جایگاه ستاد در زیست‌بوم سیاستی صنایع فرهنگی و خلاق است. واقعیت اینست که ستاد تنها مدعی حکمروایی این صنایع نیست، بلکه به ویژه در سال‌های اخیر با چالش «افزایش مدعیان تولی‌گری صنایع خلاق» روبرو شده است. صنایع خلاق مانند بسیاری از دیگر موضوعات میان‌حوزه‌ای و چند بُعدی، محل ادعای تولی‌گری هم‌زمان چند نهاد حاکمیتی از جمله سه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی و گردشگری و صنعت، معدن و تجارت (صمت) قرار گرفته است. به این مجموعه، وجود عناصر دغدغه‌مند در دستگاه‌های مختلف حاکمیتی و همچنین ظرفیت کنشگران مردمی را نیز بیافزایید که به پیچیدگی عرصه سیاستگذاری و راهبری تحول در صنایع خلاق افزوده است.

در کنار این چالش چند تولی‌گری، چالش «اعتبار و پذیرفتگی توسط بازیگران حکمروایی صنایع خلاق» نیز برای ستاد وجود دارد. ستاد یا هر سازمان دیگری برای راهبری، حکمروایی یا تنظیم‌گری در یک موضوع، نیازمند همکاری و تعامل دستگاه‌ها و بازیگران ذیربط آن موضوع است. این چالش در حالیست که ستاد اولاً با برخی از بازیگران دولتی، نظیر وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، صمت و میراث فرهنگی و گردشگری به دشواری وارد یک رابطه تنظیم‌گرانه می‌شود، ثانیاً مخدوش بودن تصویر تنظیم‌گرانه‌ی ستاد نزد نهادهای حاکمیتی، منجر به خدشه در این تصویر نزد کنشگران مردمی و بخش خصوصی می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی این بخش از مخاطبین ستاد نیز همکاری شایسته‌ای با آن شکل نمی‌دهند.

در نتیجه این چالش‌ها، ممکن است این راهکار پیشنهاد شود که نقش پیشرانی مذکور به یک نهاد دارای قدرت بیشتر در عرصه سیاستگذاری موكول شود، نظیر وزارت ارشاد یا وزارت صمت. اما راهکار مذکور دارای حداقل سه مشکل است: نخست «کرختی» و کندی دیوان‌سالارانه‌ی این نهادها، دو دیگر مواجهه‌ی تک بُعدی با این موضوع چند بُعدی^۹، و سه دیگر غفلت از رویکرد و گفتمان نوآورانه و فناورانه. مشکل نخست از این روی حائز اهمیت است که یک نهاد پیشران نیازمند «پویایی» و چالاکی در فعالیت‌های سازمانی است، و افزون بر آن محتاج یک ارتباط پویا و گرم با ذینفعان و بازیگران است. به نظر می‌رسد غلبه ساختار قوام‌یافته، دیوان‌سالارانه و به دور از پویایی و خلاقیت که در وزارتخانه‌های نامبرده به چشم می‌خورد، این گزینه‌های پیشرانی را از امتیاز پویایی سازمانی و تعامل پویا و فراگیر با ذینفعان خالی نموده است. مشکل مواجهه‌ی تک بُعدی نیز از آن روی بدیهی است که وزارتخانه‌های نامبرده از ابتدای تأسیس خود تا کنون، به نحو طبیعی یک مواجهه تخصصی با مسائل و موضوعات داشته‌اند و طبق این قاعده مواجهه، با موضوع چند بُعدی صنایع خلاق نیز مواجهه‌ای تک بُعدی خواهند داشت. مشکل آخر، یعنی نبود یک رویکرد و گفتمان نوآورانه و فناورانه در این گزینه‌ها، واقعیتی محسوس است که البته می‌تواند برای جایگاه و نقش آفرینی این نهادها در روند پرشتاب توسعه فناوری و نوآوری چالش برانگیز باشد. حقیقت اینست که صنایع خلاق به واسطه‌ی ورود روز افزون عناصر نوآفرین، فناوری و دانش بنیان به این عرصه، به ساحت علم، فناوری و نوآوری بیش از پیش گره خواهد خورد و برای پیشرانی تحول در این صنایع، گریزی از تجهیز به رویکرد دانش بنیان،

۹ به اذعان صاحب‌نظران، صنایع خلاق محل تلاقی سه حوزه فرهنگ، فناوری و اقتصاد است (مستمع: ۱۴۰۱: ۸)، و حداقل این سه بُعد را می‌توان برای صنایع خلاق متصور شد.

❖ شورای عالی انقلاب فرهنگی و دامن زدن به آشفتگی

اما نهاد مهم دیگری که در میدان چند پاره حکمروایی صنایع فرهنگی و خلاق ایران نقش می‌آفریند، شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این شورا که شأنییتی یکتا داشته و نقشی قرارگاهی در عرصه حکمروایی فرهنگ بر عهده دارد، نهادی است که به ویژه در دولت سیزدهم، ورودی جدی به حکمروایی خوشه‌های مختلف صنایع فرهنگی و خلاق نموده است. این شورا با دغدغه پیش‌برد حکمروایی حوزه خطیر صنایع فرهنگی و خلاق، میزها و کارگروه‌های متعددی را در خوشه‌های مختلف این صنایع تشکیل داده است. گفتنی است که در امتداد تشکیل این میزها، شورا با اتخاذ رویکرد «سند نویسی» به تهیه اسناد متعدد به تفکیک خوشه‌ها همت گمارده است؛ از یند بازی‌های رایانه‌ای تا سند اسباب‌بازی و سند موسیقی که به تازگی مصوب و رونمایی گردیده است.

نفس دغدغه و ورود این شورای عالی اگرچه ارزنده است، اما چالش اساسی در خصوص این شورا، نقض غرض خود شورا در حکمروایی صنایع خلاق و فرهنگی است. در واقع این شورا که قبلاً سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم را تهیه نموده و ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم را به عنوان مأمور اجرایی‌سازی سند تعیین کرده است، اکنون در یک اقدام غیر موجه به تولید اسناد متعددی در زمینه فناوری‌های فرهنگی و نرم نموده که معلوم نیست نسبت این اسناد با سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم چیست؟ آیا نمی‌توان توسعه خوشه‌های مختلف صنایع خلاق را ذیل سند مذکور تهیه نمود؟ تهیه اسناد متعدد در توازی یا تعارض با این سند مصوب قدیمی در شرایطی در حال رخ دادن است که ذیل این سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم، کارگروه‌های تخصصی متعددی در حال شکل‌گیری بوده است که در قالب این کارگروه‌ها، اجرایی‌سازی سند در موضوعات تخصصی مختلف و خوشه‌های گوناگون صنایع فرهنگی و خلاق در حال پیگیری بوده است.

👍 چه باید کرد؟

برای تحقق یک تحول در حکمروایی، به ابزار نهادی محتاج هستیم که در قواره تحول‌گرایی باشد. چابکی، پویایی، آزادی عمل، نوآوری، تعریف درست و روزآمد مأموریت، و بینش راهبردی مناسب از لوازم این نهاد چابک به شمار می‌روند. لذا پیشنهاد می‌شود به طراحی و ایجاد یک نهاد پیشران تحول و با یک جانمایی مناسب در ساختار نظام اداری و سیاستی کشور بپردازیم.

در خصوص ایجاد چنین نهادی، ما با برخی تجربیات نهادسازی در نظام مواجه هستیم. یکی از این موارد مجرب و شایان توجه، «معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری» است. ایجاد این نهاد نسبتاً جدید در ساختار قوه مجریه و جانمایی آن ذیل نظر مستقیم ریاست جمهوری، تجربه‌ای از نهادسازی بوده که به گواه صاحب‌نظران از

طیف‌های مختلف نظری و سیاسی، توفیقات انکارناپذیری در اجرای مأموریت خود یافته است. این نهاد به نسبت چابک و نوآور، در ارتباط‌گیری با ذینفعان و گرایش‌های مختلف ملی در راستای توسعه علم، فناوری و نوآوری در کشور موفق عمل نموده و این مأموریت را با توسعه متناسب نهادی به پیش برده است. با این اوصاف، الگوگیری از این نهاد می‌تواند برای طراحی نهاد پیشران تحول در صنایع فرهنگی و خلاق مطلوب باشد.

در امتداد بیان این تجربه، می‌توان به این پیشنهاد سیاستی اندیشید که ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم با یک ارتقاء وضعیت، در جایگاهی نظیر جایگاه معاونت علمی و فناوری بازتعریف شود. با این بازتعریف، با آسیب نهادسازی مواجه نخواهیم شد، بلکه به دنبال بازطراحی و اصلاح وضعیت نهادی موجود در این مورد خواهیم بود. ضمناً در چنین حالتی، با حفظ شأن مشارکت و عاملیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص این ستاد و لحاظ نمودن اختیارات نظارتی، این شورا نیز در اداره این نهاد تحول‌گرای فرهنگی نقش آفرین خواهد بود.

چه نباید کرد؟

مهم‌ترین اقدام ممنوعه و خط قرمز در این باره، «پرهیز از تشّت و موازی‌کاری» است. در شرایطی که سند توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم، ظرفیت مناسبی برای توسعه انواع فناوری‌های نرم و خوشه‌های مختلف صنایع خلاق را داراست، ایجاد اسناد متعدد به بهانه تقویت حکمروایی فناوری‌های نرم و صنایع خلاق، خطایی سیاستی است. از لوازم انکارناپذیر ایجاد یک نهاد پیشران تحول، حفظ یکتایی و مرجعیت این نهاد در عرصه تخصصی حکمروایی مذکور است. لذا ممانعت از تشّت و چندپارگی امر حکمروایی صنایع فرهنگی و خلاق، آن هم در شرایطی که اساساً زمینه یکپارچگی ذیل سند مذکور وجود دارد، گریزناپذیر است؛ خواه هرگونه نهادی به عنوان پیشران تحول مذکور طراحی یا بازطراحی در نظر گرفته شود.

منابع

❑ مستمع، ر. (۱۴۰۱). اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح حمایت از شرکتهای و مؤسسات خلاق و تجاری سازی فناوری های نرم» (به همراه الزامات قانون گذاری در حوزه صنایع فرهنگی و خلاق). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی - دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش.

❑ <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1667733> (سند ملی توسعه فناوری های فرهنگی و نرم)

❑ <https://dubaiculture.gov.ae/en/about-us/who-we-are>

❑ <https://www.gea.gov.sa/>

❑ <http://www.chinacf.com/Guanyuwomen/index.html>

❑ <https://www.gov.uk/government/ministers/minister-of-state--160>

❑ <https://mcy.gov.ae/ar/about/>